## جلسه 45

**دو‌شنبه - 16/10/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به وضع اسماء عبادات و معاملات بر صحیح یا اعم از صحیح و فاسد بود. مشهور گفتند اسماء عبادات و معاملات وضع شده برای خصوص صحیح.

لکن مشکل این بود که معنای صلات مثلا یک معنای واحدی هست و مشترک لفظی نیست بین افراد نمازهای صحیح. پس باید یک جامع معنوی پیدا کنیم که موضوع‌له لفظ صلات باشد که شامل تمام نمازهای صحیح بشود و شامل نماز‌های باطل نشود. و لذا یکی از مشکلات تصویر معنای جامع بین نمازهای صحیح هست. برخی مثل محقق نائینی و مرحوم آقای خوئی فرمودند اصلا معنای جامعی پیدا نمی‌کنیم برای معنای صحیح مگر همین مفهوم صحیح که قطعا لفظ صلات مرادف با مفهوم صحیحٌ نیست. مفهوم صحیح یعنی درست، ما از مفهوم صلات که مفهوم درست به ذهن‌مان نمی‌اید پس نمی‌تواند معنای لفظ صلات مرادف باشد با معنای صحیح. واقع صحیح را باید در نظر بگیریم. واقع نماز‌های صحیح هم جامع معنوی و مشترک ندارد.

برخی همین اشکال را به اعمی‌ها کردند. گفتند اعمی‌ها هم نمی‌توانند یک جامع واحدی برای نمازهای صحیح و فاسدتصویر کنند بلکه صاحب کفایه می‌‌گوید ما یک جامع مبهمی که لایعلمه الا الله می‌‌توانیم با برهان تصویر کنیم برای نمازهای صحیح اما اعمی‌ها این کار را هم نمی‌توانند بکنند.

مرحوم نائینی فرموده اصلا ما نیاز به تصویر جامع نداریم. جامع صحیحی تصویر بکنیم نکنیم، جامع اعمی تصویر بکنیم نکنیم، مهم نیست. چرا؟ ایشان فرموده برای این‌که بعید نیست ما بگوییم لفظ صلات وضع شده برای مرتبه عالیه از نماز که صلات مختار است. الصلاة وضع شده برای نماز صحیحی که شخص مختار می‌‌خواند و استعمالش در نمازهای دیگر از قبیل مجاز ادعائی است. یا از باب اشتراک در اثر هست. فرق نمی‌کند، صحیحی می‌‌گوید لفظ صلات که وضع شده برای صلات مختار که صلات در مرتبه عالیه است استعمال می‌‌شود در بقیه مراتب صحیحه نماز که اقل مراتبش صلات غرقی است، حالا یا از باب ادعاء مجاز ادعائی یا از باب اشتراک در اثر. مجاز ادعایی این است که فاقد جزء اختیاری را تنزیل می‌‌کنند منزله واجد جزء اختیاری، مسامحتا، ‌نماز با تیمم را که فاقد طهارت مائیه است تنزیل می‌‌کنند منزله طهارت مائیه چون فاقد جزء مهم نیست. مسامحتا نادیده می‌‌گیرند فقدان این جزء‌مهم را. یا از باب اشتراک در اثر که این نماز با تیمم هم در این حال فقدان ماء اثر انتهاء عن الفحشاء و المنکر را دارد.

اعمی می‌‌گوید نه، لفظ صلات و لو وضع شده بر مرتبه عالیه صحیحه که نماز مختار است ولی استعمال می‌‌شود در مراتب نازله صلات اعم از صحیحه و فاسده. نماز بی طهارت هم استعمال می‌‌شود در او لفظ صلات حالا یا از باب ادعاء که فقدان شرط طهارت چون از نظر عرفی شرط مهم نیست، مانع نشده که صدق مسامحی کند لفظ صلات بر این نماز بی طهارت. یا از باب اشتراک در اثر که البته ما این را نفهمیدم اثر نماز صحیح چه جور بر نماز صحیح می‌‌خواهد مترتب بشود و این‌ها مشترک در اثر بشوند. بهرحال.

بعد محقق نائینی فرموده:‌ حالا که معلوم شد نیاز به جامع بین نمازهای صحیح یا نمازهای اعم از صحیح و فاسد نداریم چون لفظ صلات ابتدائا وضع شده برای مرحله عالیه نماز که نماز مختار است و استعمالش در بقیه از باب مجاز ادعایی است یا از باب اشتراک اثر، فقط یک شبهه می‌‌ماند و او این است که مرتبه عالیه نماز که فقط نماز چهار رکعتی نیست در حضر، خب نماز قصر در سفر هم مرتبه عالیه نماز است. بله بین نماز قصر و تمام باید جامع تصویر بکنیم. این جوابش این است که تصویر جامع بین نماز قصر و تمام که آسان است سخت نیست.

بعد محقق نائینی فرموده از این‌جا روشن شد دل تا را خوش نکنید که اگر اعمی بشوید می‌‌توانید به اطلاق اقیموا الصلاة تمسک کنید برای نفی شرطیت مشکوک. کتب علیکم الصیام بگویید اطلاق دارد برای نفی وجوب امساک از ارتماس در ماء. چون ما اعمی هستیم. نه‌آقا، اعمی هستی باش، و لکن فرض این است که موضوع‌له لفظ صلات یا صیام مرتبه عالیه است مرتبه عالیه صحیحه، استعمالش در بقیه مراتب نیاز به یک ادعاء و تنزیل دارد، ‌معلوم نیست که این نماز با فقد این شرط مشکوک تنزیل شده منزله نماز واجد این شرط مشکوک. معلوم نیست این روزه بدون اجتناب از ارتماس فی الماء ، ‌این روزه‌ای که رفتی با او شنا کردی تنزیل شده منزله عالیه صوم. معلوم نیست، چه جور می‌‌خواهی اطلاق‌گیری بکنی.

واقعا این مطالب عجیب است. اولا: این خلاف وجدان است که ما بیاییم بگوییم استعمال لفظ صلات در مراتب نازله صلات به دنبال یک ادعاء و تنزیل است. یعنی چه؟! نماز نشسته در حال بیماری، صلات است دیگر. قیاما و قعودا، ‌الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم، ‌الصلاة جالسا در حال بیماری ‌صلاةٌ دیگه، نیاز دارد ما ادعاء کنیم همان صلات اختیاریه است؟ این خلاف وجدان است.

ثانیا: مراتب عالیه مگر یکی است؟ مراتب اختیاریه مگر یکی است که شما گفتید قصر و تمام این هم جامع دارد، این همه انواع نماز داریم. نماز صبح نماز ظهر نماز عصر نماز مغرب نماز عشاء نماز آیات نماز عید. نماز میت بناء بر نظر مشهور که مسمای لفظ صلات هست بر خلاف نظر بعضی مثل مرحوم آقای خوئی که می‌‌گویند صلات میت صلات مسامحیه است انما هو تکبیر و تسبیح و تحمید و تهلیل لیست بصلاة ذات رکوع و سجود. ولی ما عرض کردیم وفاقا للمشهور صحیحه زارره می‌‌گوید الصلاة علی عشرة‌اوجه منها صلاة المیت. [آیا] فقط قصر و تمام است که شمای آقای نائینی دل‌تان را خوش کردید که الجامع بینهما سهل. اینقدر انواع دارد صلات اختیاریه. صلوات‌های واجبه، ‌صلوات‌های مستحبه، صلات جعفر طیار، جامعش چیست با صلات آیات؟ صلات آیات جامعش با صلات عید فطر چیست که آن دوست مرحوم ما رضوان الله علیه گفت رفتم به جای نماز عید فطر نماز آیات خواندم اشتباها هیچ‌کس هم نفهمید. جامعش چیست؟

و لذا این فرمایش محقق نائینی درست نیست. ما باید یک جامعی تصویر کنیم. صرف این‌که این‌ها مراتب نازله شآن‌که از قبیل ادعاء است و اگر هم حقیقت شده تدریجا حقیقت شده در این مراتب نازله که ادعائا گفتیم این همان مرتبه عالیه است.غیر از این‌که این خلاف وجدان است. ما همچون ادعایی نکردیم. ما گفتیم این مرتبه نازله صلاةٌ کی گفتیم صلاة اختیاریة ادعائا؟ علاوه بر این همان مرتبه عالیه فقط دو نوع ندارد، ‌قصر و تمام نیست، ‌انواع بیشماری دارد. یعنی چه که ما جامع نیازی نداریم تصویر کنیم. و لذا بزرگان ما دنبال تصویر جامع برآمدند.

[سؤال: ... جواب:] فرق صحیحی و اعمی در مجاز مشهور می‌‌شود، صحیحی می‌‌گوید مجاز مشهور این است که مراتب نازله صحیحه را بگوییم صلات ادعائا، ادعاء کنیم این همان صلات اختیاریه است، مراتب نازله از صلات یعنی صلات‌های اضطراریه مثل صلات عن جلوس در حال بیماری، اعمی می‌‌گوید مجاز مشهور در اعم از صحیح و فاسد است. اختلاف به این می‌‌شود.

منافات ندارد که صحیحی هم بگوید مجاز غیر مشهور می‌‌تواند استعمال بشود لفظ صلات در صلات فاسده ولی مجاز غیر مشهور است. مجاز مشهور صحیحی و اعمی با هم اختلاف می‌‌کنند. صحیحی طبق تفسیر مرحوم نائینی می‌‌گوید صحیحی مجاز مشهور را مراتب نازله صحیحه می‌‌داند، مراتب نازله یعنی غیر از نمازهای اختیاریه و اعمی مجاز مشهور را که منشأش ادعاء است، ادعاء کردیم که این نماز همان صلات اختیاریه است، مجاز مشهور شده بناء بر مسلک اعمی در اعم از مراتب صحیحه و فاسده. که انصافا این مطلب درستی نبود.

مرحوم شیخ انصاری یک اشکالی مطرح کرده بر تصویر جامع صحیحی. خلاصه اشکال ایشان این است: فرموده این جامع از دو حال خارج نیست، یا مرکب است یا بسیط. شما کدام را انتخاب می‌‌کنید اگر بگویید جامع مرکب است، خب مرکب از چیست؟‌ مرکب است از تکبیرةالاحرام و رکوع و سجود و قیام و وضوء، خب این‌که شامل نماز با تیمم در حال فقدان ماء نمی‌شود، ‌شامل نماز نشسته در حال بیماری نمی‌شود، فقط منطبق می‌‌شود بر صلات اختیاریه. اگر بخواهید حذف کنید قیام را، حذف کنید وضوء را، تا شامل صلات متیمم یا صلات مریض جالسا بشود، آن وقت نماز شخص مختار اگر نشسته بخواند یا با تیمم بخواند، او هم داخل در این مسمی می‌‌شود در حالی که او باطل است. چی می‌‌خواهید بکنید شما صحیحی ها! موضوع‌له صلات جامع مرکب است؟ داخل در این مرکب می‌‌خواهید اجزاء و شرائط معتبره در حال اختیار را اخذ کنید یا می‌‌خواهید اخذ نکنید. اگر اخذ می‌‌کنید شامل صلات صحیحه اضطراریه نمی‌شود. اگر اخذ نمی‌کنید شامل صلات مختار که فاقد اجزاء و شرائط واجبه در حال اختیار است مختار است شخص ولی شرط اختیاری را ترک کرد، ‌وضوء را ترک کرد گفت حال ندارم تیمم می‌‌گیرم، ایستادن را ترک کرد گفت حال ندارم می‌‌نشینم، ‌شامل نماز او هم می‌‌شود. پس جامع مرکب غیر معقول است برای صحیحی.

اما جامع بسیط ایشان فرموده است که این جامع بسیط یعنی یک مفهوم بسیط. بفرمایید این مفهوم بسیط چیست؟ عنوان المطلوب است یا یک عنوانی است که لازم این عنوان مطلوب است اگر می‌‌گویید عنوان مطلوب، صلات وضع شده برای صلاتی که مرکبی که ماموربه است، مطلوب یعنی ماموربه، المرکب الماموربه، خب این عنوان در طول امر انتزاع می‌‌شوددر حالی که متعلق امر باید در رتبه سابقه امر لحاظ بشود معنا ندارد که امر تعلق بگیرد به عنوان ماموربه. وانگهی خلاف وجدان لغوی است که بگویید صلات مرادف است با لفظ الماموربه و المطلوب. علاوه بر این‌که دیگه نمی‌شود اصل برائت جاری کنیم در اقل و اکثر ارتباطی در نماز چون عنوان ماموربه واجب است، عنوان مطلوب واجب است شک در محصل داریم نمی‌دانیم عنوان ماموربه بر او صادق است یا صادق نیست الاشتغال الیقینی یقتضی الفراغ الیقینی برائت نمی‌توانیم جاری کنیم. و حال این‌که مشهور با این‌که صحیحی هستند برائت هم جاری می‌‌کند در اقل و اکثر ارتباطی.

اگر بگویید جامعی که موضوع‌له لفظ صلات است عنوان ماموربه و مطلوب نیست یک عنوان مبهمی است که عنوان ماموربه لازمه اوست، عنوان مطلوب لازمه اوست. ایشان فرموده این اشکال سوم باز پیش می‌اید که دیگه امکان رجوع به برائت نیست چون امر تعلق گرفته به آن عنوانی که لازم آن عنوان مطلوب بودن و ماموربه بودن است. آن عنوان مبهم که مطلوب بودن و ماموربه بودن لازم آن عنوان مبهم شک داریم با این نماز بی سوره حاصل شد یا نشد، شک در امتثال می‌‌شود. ما امر داریم به آن عنوان مبهم شک داریم آن عنوان مبهم حاصل شد یا نشد.

پس اشکال این شد که جامع صحیحی چه بخواهید جامع مرکب بگیرید یا جامع بسیط غیر معقول است.

اشکال مهم به مرحوم شیخ این است که مرحوم شیخ جامع مرکب را واوی فرض کرد. جناب شیخ!‌ منحصر نبود جامع مرکب به جامع واوی؛ جامع مرکب اوی هم داریم. جامع مرکب اوی چیست؟‌ جامع مرکب اوی این است که صحیحی می‌‌گوید نماز مختار را شارع لحاظ می‌‌کند، نماز با وضوء در حال اختیار، ‌نماز با تیمم در حال اضطرار، مسمای لفظ صلات این یا آن است یعنی مسمای لفظ صلات عبارت است از مرکبی که یا همراه باشد با وضوء در حال اختیار یا همراه باشد با تیمم در حال اضطرار. یا همراه باشد با قیام در حال سلامتی یا جلوس در حال بیماری. اینقدر أو أو می‌‌کند این صحیحی که یک کتاب هزار صفحه‌ای با همین لفظ أو (یا) باید درست کند. مسمای لفظ صلات چیست، شروع کند انواع نمازهای اختیاریه را به صورت یا ذکر می‌‌کند، نماز صبح یا نماز ظهر یا نماز عصر یا نماز مغرب یا نماز عشاء. این‌ها نماز یومیه.یا نماز آیات یا نماز عید یا نماز میت یا نماز جعفر طیار.

[سؤال: ... جواب:] عنوان مشیر من گرفتم، ‌همان افعال.

این به لحاظ انواع نماز‌های صحیح. به لحا‌ظ حالات مکلفین، همین نماز صبح یا با وضوء در حال اختیار یا با تیمم در حال اضطرار یا با قیام در حال اختیار یا با نشستن در حال اضطرار ، همین‌جوری کاغذهایش تمام می‌‌شود، ‌جوهر قلمش تمام می‌‌شود ولی هنوز این یا یا‌ها تمام نشده. این می‌‌شود مرکب اوی. این معقول است. جامع اعمی هم همین‌جور است. منتها جامع اعمی این یا یا گفتنش خیلی طولانی‌تر است چون باید نمازهای فاسد را هم به صورت یا حتی آن نمازی که دیگه گفت نماز خواند بر مذهب یکی از فقهاء اربعه عامه با نبیذ وضوء گرفت جلد کلب مطبوخ هم پوشید که مگس در وسط نماز همین‌جور روی بدنش بود موقع سلام هم به جای سلام احدث. این هم صلاة دیگه. اعمی هم باید با این مرکب اوی منتها به جای هزار صفحه ده هزار صفحه کتاب تنظیم کند چون تصورات نمازهای فاسده خیلی زیاد است. کسانی مثل آقای صدر گفتد راه حل همین است، ‌جامع مرکب اوی چه صحیحی می‌‌خواهی بشوی چه اعمی.

این یک راه حل. راه حل دوم این است که ملتزم بشویم به ماهیت جعلیه. نظر مرحوم آقای بروجردی و به حسب ظاهر، امام، ‌آقای سیستانی. می‌‌گویند اصلا لفظ صلات وضع شده برای آیین پرستش و نیایش. شما می‌‌توانید قید بزنید آیین پرستش و نیایش مقبول. این می‌‌شود جامع صحیحی. آیین پرستش و نیایش عرفی می‌‌شود جامع اعمی. آن وقت این نمازهایی که ما می‌‌خوانیم مصادیق هستند برای آیین پرستش و نیایش، جامع صحیحی می‌‌گوید آیین پرستش و نیایش مقبول مصادقیش این نمازها هستند که صحیح هستند. آقای سیستانی می‌‌فرمایند: پس ما دو چیز داریم از شارع، ‌یکی امر شارع به این ماهیت جعلیه صلات که موضوع‌لهش شد یک ماهیت جعلیه که از او تعبیر می‌‌کنیم به آیین پرستش و نیایش مقبول این می‌‌شود جامع صحیحی و یک جعل دیگر شارع جعل مصداق است. شارع می‌اید متمم جعل تطبیقی تعبیر می‌‌کند ایشان می‌‌گوید شارع غیر از امری که کرده به ماهیت جعلیه آیین پرستش و نیایش مقبول تعیین مصادیق می‌‌کند می‌‌گوید شخص مختار آیین پرستش و نیایش مقبولش این نماز است، شخص مضطر آن نماز است و هکذا.

این هم راه حل دومی که در مقابل مرحوم شیخ ارائه شده. که باید این‌ها را بررسی کنیم.

راه حل سوم را اشاره کنم راه حل مرحوم صاحب کفایه است. فرموده است نمازهای صحیح یک اثر مشترک دارند ینهی عن الفحشاء و المنکر. اثر واحد لایصدر الا عن الواحد. کی گفته؟ در فلسفه گفتند. قبول نداری نداشته باش. پس معلوم می‌‌شود یک جامعی هست بین افراد نمازهای صحیح که منشأ این اثر واحد است. آن جامع را ما نمی‌فهمیم چیست اما خدا که می‌‌داند، ‌لفظ صلات وضع شده برای آن جامع مبهم که یصدر منه این اثر مشترک، برهان می‌‌گوید آن جامع باید باشد چون الواحد لایصدر الا عن الواحد. این مطالبی است که باید رویش تامل بشود.

نکته‌ای عرض کنم خدمت عزیزان، امروز بعدازظهر تشییع جنازه شهداء مخصوصا شهید قاسم سلیمانی هست، انشاءالله شرکت کنید. به پاس قدردانی از زحمات و خدمات این عزیزان. چه در دوران دفاع از کشور چه در دفاع از عتبات عالیات در عراق که ما امنیت‌مان را مرهون این عزیزان هستیم.

و الحمد لله رب العالمین.